

پانیوم — شماره یازده یازده

یازده، یازده: گواهی نبوتی دانیال و مکاشفہ

Jeff Pippenger

2025-08-09

برای من رسیدن به این مرحلہ در مطالعہٗ پانیوم فرایندی طولانی بودہ است، و عنوان «یازده، یازده» بہ منظور تأکید بر این حقیقت است کہ شیر سبط یہودا ہم کتاب دانیال و ہم کتاب مکاشفہ را ہمہنگ ساخت تا خطوط درونی و بیرونی تاریخ مہر شدن قوم خدا را در باب یازدہم و آیہٗ یازدہم آشکار سازد۔ درست پیش از بستہ شدن مہلت آزمایش، فرمانی صادر می‌شود برای گشودن مہر آن نبوت در مکاشفہ کہ تا زمانی مہر شدہ بود کہ تاریخ‌های نبوی درونی و بیرونی، کہ بہ وسیلہٗ دو خط یازده—یازده در کتاب‌های دانیال و مکاشفہ نمایش دادہ شدہ‌اند، بہ حقیقت حاضر تبدیل شوند۔

و بہ من گفت: «سخنان نبوت این کتاب را مہر مکن، زیرا زمان نزدیک است۔ آن کہ ظالم است، بگذار ہمچنان ظلم کند؛ و آن کہ پلید است، بگذار ہمچنان پلید یماند؛ و آن کہ عادل است، بگذار ہمچنان عدالت ورزد؛ و آن کہ مقدس است، بگذار ہمچنان مقدس بماند۔» مکاشفہ 22:10، 11

«زمان نزدیک است» درست پیش از بستہ شدن مہلت آزمون، و «زمان نزدیک است» آنگاہ کہ «مکاشفہ عیسی مسیح» گشودہ می‌شود۔

مکاشفہٗ عیسی مسیح، کہ خدا آن را بہ او عطا فرمود تا اموری را کہ می‌باید بہ زودی واقع شوند، بہ بندگان خود نشان دہد؛ و آن را بہ وسیلہٗ فرشتہٗ خود فرستادہ، بر بندہٗ خویش یوحنا آشکار ساخت؛ همان کہ بہ کلام خدا و بہ شہادت عیسی مسیح، و بہ ہر آنچه دیدہ بود، گواہی داد۔ خوشا بہ حال آن کہ می‌خواند، و آنان کہ سخنان این نبوت را می‌شنوند و آنچه را در آن نوشتہ شدہ است نگاہ می‌دارند، زیرا وقت نزدیک است۔ مکاشفہ ۱۱-۳

جب یہوداہ کے قبیلے کا شیر، جیسا کہ وہ جولائی 2023 میں نصف اللیل کی پکار کے پیغام کی آمد کے بعد سے کرتا آ رہا ہے، "یسوع مسیح کے مکاشفہ" کی مہریں کھولتا ہے، تو اس مہرکشائی میں یہ انکشاف بھی شامل ہوتا ہے کہ وہ "پلمونی" ہے، یعنی عجیب شمار کرنے والا، یا بھیدوں کا شمار کرنے والا۔ اس سچائی کو قبول نہ کرنا اُس آزمائشی عمل میں ناکام ہونا ہے جو ایک لاکھ چوالیس ہزار پر مہر کرتا ہے۔

من شما را بہ آب برای توبہ تعمید می‌دہم؛ اما آن کہ پس از من می‌آید از من تواناتر است، و من شایستہ نیستم کفش‌های او را بردارم؛ او شما را بہ روح القدس و آتش تعمید خواہد داد۔ او غربال خود را در دست دارد، و خرمنگاہ خویش را بہ کلی پاک خواہد ساخت، و گندم خود را در انبار جمع خواہد کرد؛ اما کاه را با آتشی خاموشی ناپذیر خواہد سوزانید۔ متی 3:11، 12

«این فرایند تصفیہ دقیقاً چہ زود آغاز خواہد شد، نمی‌توانم بگویم، اما بہ درازا نخواہد کشید۔ او کہ غربال خود را در دست دارد، معبد خویش را از آلودگی اخلاقی آن پاک خواہد ساخت۔ او خرمنگاہ خود را بہ کلی پاکیزہ خواہد نمود۔» Testimonies to Ministers, 372, 373

خطوط نبوت جو مہر لگائے جانے کے وقت کو ایک نبوی آزمائشی عمل کے طور پر شناخت کرتی ہیں، حد درجہ وافر ہیں۔ یہ بات واضح ہے کہ یہ آزمائشی عمل طالب علم کی استعداد اور اس کی اس قابلیت پر مبنی ہے کہ وہ خدا کے نبوی کلام کے مطالعہ کے لیے درست یا نادرست منہج کو کیسے بروئے کار لاتا ہے۔ یہ حقیقت بھی الہامی نوشتہ میں نہایت فراوانی کے ساتھ بیان کی گئی ہے۔

اور ان چاروں لڑکوں کو خدا نے ہر قسم کی تعلیم اور حکمت میں علم اور مہارت عطا کی؛ اور دانی ایل کو ہر طرح کی رؤیا اور خواب کی سمجھ بخشی۔ پھر ان دنوں کے اختتام پر جن کے بارے میں بادشاہ نے حکم دیا تھا کہ انہیں اُس کے حضور پیش کیا جائے، خواجہ سراؤں کے سردار نے انہیں نبوکدنصر کے سامنے حاضر کیا۔ اور بادشاہ نے اُن سے گفتگو کی؛ اور اُن سب میں دانی ایل، حننیاہ، میسائیل، اور عزریاہ کے مانند کوئی نہ پایا گیا؛ سو وہ بادشاہ کے حضور کھڑے رہنے لگے۔ اور حکمت اور فہم کے ہر معاملہ میں جس کی بابت بادشاہ نے اُن سے دریافت کیا، اُس نے انہیں اپنے سارے مملکت کے سب جادوگروں اور نجومیوں سے دس گنا بہتر پایا۔ دانی ایل 1:17-20۔

یک اصل اساسی در تفسیر نبوت آن است کہ حقیقت بر گواہی دو شاهد استوار می‌گردد، و آنان کہ به این اصل اعتماد نمی‌ورزند، خود را در معرض شکست قرار می‌دهند. بخشی از فرایند آزمون در زمان مہر نهادن، مستلزم شناخت پیوند میان تاریخ‌های درونی و بیرونی است کہ در باب یازدهم و آیہ یازدهم، به وسیلہ دانیال و یوحنا بہ تصویر کشیدہ شدہ‌اند.

«مکاشفہ کتابی مہر شدہ است، اما در عین حال کتابی گشودہ نیز ہست. این کتاب رویدادہای شگفت‌انگیزی را کہ در روزہای آخر تاریخ این زمین بہ وقوع خواہد پیوست، ثبت می‌کند. تعلیمات این کتاب معین و روشن است، نہ رازآلود و نامفہوم. در آن، همان خط نبوتی دنیال می‌شود کہ در دانیال آمدہ است. خدا برخی نبوت‌ها را تکرار کردہ است و بدین سان نشان دادہ است کہ باید بہ آنها اہمیت دادہ شود. خداوند چیزہایی را کہ اہمیت چندان نداری، تکرار نمی‌کند.» Manuscript Releases, جلد 9، 8.

کتاب‌های دانیال و مکاشفہ دو شاهد را نمایندگی می‌کنند، و یکصد و چهل و چهار ہزار نیز در باب یازدهم مکاشفہ بہ صورت دو شاهد معرفی شدہ‌اند. در آیہ یازدهم آن باب، آن دو شاهد کہ بہ وسیلہ ایلیا و موسی نمایانہ شدہ‌اند، قیام می‌کنند، چنان کہ یوحنا در روغن جوشان و دانیال در چاہ شیران ہر دو نمود تمثیلی این حقیقت‌اند. یکصد و چهل و چار ہزار بہ وسیلہ دانیال و یوحنا، و نیز بہ وسیلہ ایلیا و موسی نمایانہ شدہ‌اند. برای کامیاب شدن در فرایند آزمونی کہ یکصد و چهل و چار ہزار را پدید می‌آورد، دانشجو باید درک کند کہ حقیقت بر گواہی دو شاهد استوار می‌شود، و اینکہ کتاب‌های دانیال و مکاشفہ دو شاهد را نمایندگی می‌کنند، و اینکہ یکصد و چهل و چار ہزار بہ گونه‌ای تمثیلی ہم بہ صورت ایلیا و موسی و ہم بہ صورت دانیال و یوحنا مجسم شدہ‌اند.

این حقایق تنها نمونہ‌ای کوتاہ از حقایق نبوی مرتبط با تاریخ درونی و بیرونی نمایان شدہ بہ وسیلہ «یازدہ، یازدہ» در ہر دو کتاب دانیال و مکاشفہ است. مسیح، بہ عنوان پالمونی، در ہم راستا ساختن آن دو آیہ ہدایت فرمود، و نیز اینکہ یازدہ، بہ علاوہ یازدہ، برابر با بیست و دو است، کہ آن نیز یک عشر یا دہ یک دویست و بیست است؛ و این، نمادی از ترکیب الوہیت با انسانیت می‌باشد. پالمونی بر اساس بیش از دو شاهد مقرر ساخت کہ «دویست و بیست» نمایانگر ترکیب الوہیت و انسانیت است، کہ این نیز بہ نوبہ خود توصیفی از تجسد مسیح است، آنگاہ کہ او طبیعت جسمانی ساقط شدہ را بر خود گرفت. او با این کار، برای نوع بشر این نمونہ را پیش نہاد کہ اگر آنان مایل باشند الزامات انجیل را برآورده سازند، مسیح مایل است الوہیت خود را با انسانیت ما ترکیب کند. بنابراین، الوہیت و انسانیت دو شاهد ہستند.

«مکاشفہ عیسی مسیح» کہ درست پیش از بستہ شدن در فیض گشودہ شد، این را نیز دربر می‌گیرد کہ عیسی «کلمہ» خداست.

در ابتدا کلمہ بود، و کلمہ نزد خدا بود، و کلمہ خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. ہمہ چیز بہ واسطہ او آفریدہ شد؛ و بہ غیر از او چیزی از موجودات آفریدہ نشد. در او حیات بود؛ و حیات نور انسان‌ها بود. و نور در تاریکی می‌تابد؛ و تاریکی آن را در نیافت. یوحنا ۱:۱-۵

کتاب مقدس «کلام» خداست که همان گونه که مسیح تجسم پیوند الوهیت با انسانیت است، کتاب مقدس نیز نمایانگر دو شاهد عهد عتیق و عهد جدید است، که در مکاشفه، فصل یازدهم، همان موسی و ایلیا نیز هستند.

«دربارهٔ آن دو شاهد، نبی همچنین اعلام می‌دارد: "اینانند آن دو درخت زیتون و آن دو شمعدان که در حضور خدای زمین ایستاده‌اند."» «کلام تو،» مزمورنویس گفت، «برای پاهای من چراغ، و برای راه من نور است.» مکاشفه 11:4؛ مزمور 119:105. آن دو شاهد نمایندهٔ کتب مقدس عهد عتیق و عهد جدید هستند. نبرد عظیم، 267.

دو شاهد، همان دو درخت زیتون، دو شمعدان، و عهد عتیق و عهد جدید هستند که در این بند با عنوان «کلام تو» نمود یافته‌اند. «مکاشفه عیسی مسیح» که اندکی پیش از پایان مهلتِ آزمون، به وسیلهٔ شیر سبط یهودا گشوده می‌شود، «افزایش نهایی معرفت» است که کسانی را که نامزد آن‌اند تا یکی از صد و چهل و چهار هزار تن باشند، می‌آزماید. «افزایش نهایی معرفت» همچنین همان پیام فریاد نیمه‌شب در مثل ده باکره است.

«پس در پاسخ گفتم: این دو درخت زیتون که در جانب راست چراغدان و در جانب چپ آن هستند، چیستند؟ و باز در پاسخ گفتم: این دو شاخهٔ زیتون چیستند که از طریق دو لولهٔ زرین، روغن طلایی را از خود جاری می‌سازند؟ و او در پاسخ من گفت: آیا نمی‌دانی که اینها چیستند؟ و گفتم: نه، سرورم. آنگاه گفت: اینها آن دو مسح شده هستند که در حضور خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند. زکریا ۱۴-۱۱:۴. اینها خود را در کاسه‌های زرین فرو می‌ریزند، کاسه‌هایی که نمایانگر دل‌های پیام‌آوران زنده خدا هستند، آنان که کلام خداوند را با هشدارها و التماس‌ها به مردم می‌رسانند. خود کلام باید چنان باشد که تصویر شده است: آن روغن طلایی که از دو درخت زیتون، که در حضور خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند، جاری می‌شود. این همان تعمید روح‌القدس و آتش است. این، جان بی‌ایمانان را به روی اقناع خواهد گشود. نیازهای جان را تنها به وسیلهٔ عمل روح‌القدس خدا می‌توان برآورده ساخت. انسان از خود هیچ نمی‌تواند بکند تا اشتیاق‌ها و آرمان‌های دل را برآورده سازد.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary، جلد ۴، ۱۱۸۰.

کلام خدا هم کتاب مقدس است و هم مسیح، و کتاب مقدس و مسیح نمایانگر دو شاهد هستند، همان گونه که صد و چهل و چهار هزار نیز چنین‌اند. این دو شاهد نیز به نوبهٔ خود نمایانگر ترکیب الوهیت با انسانیت هستند. همچنین نمایانگر تاریخ‌های نبوتی درونی و بیرونی‌اند. آنان به عنوان شاهدان، گواهی دادند که الوهیتی که با انسانیت متحد شده است، گناه نمی‌کند. همچنین نمایانگر پیوند میان الوهیت و انسانیت هستند. خواه نردبان باشد، خواه مجرا، خواه لوله‌ها، خواه فرشتگان، یا هر یک از دیگر نمادهای رابطهٔ ارتباطی میان خدا و انسان، پیامی که به انسان رسانده می‌شود همواره یا حیات است یا موت.

«مسیح‌شدگان ایستاده در حضور خداوند تمامی زمین، همان مقامی را دارند که زمانی به شیطان به عنوان کروی سایه‌گستر داده شده بود. خداوند به واسطهٔ موجودات مقدسی که تخت او را احاطه کرده‌اند، ارتباطی پیوسته با ساکنان زمین برقرار می‌سازد. روغن طلایی نمایانگر آن فیضی است که خدا به وسیلهٔ آن چراغ‌های ایمانداران را فراهم نگاه می‌دارد تا سوسو زنند و خاموش نگردند. اگر این روغن مقدس در پیام‌های روح خدا از آسمان فرو ریخته نمی‌شد، عوامل شر بر انسان‌ها به طور کامل تسلط می‌یافتند.»

«خداوند آنگاه بی‌حرمتی می‌بیند که ما پیام‌هایی را که برای ما می‌فرستد دریافت نمی‌کنیم. بدین‌سان، آن روغن زرینی را که او می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به آنان که در تاریکی‌اند رسانیده شود، رد می‌کنیم. هنگامی که این ندا برخیزد: "اینک، داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید"، آنان که روغن مقدس را دریافت نکرده‌اند و فیض مسیح را در دل‌های خود گرامی

نداشته‌اند، همچون باکره‌های نادان خواهند یافت که برای ملاقات با خداوند خویش آماده نیستند. آنان در خود توانی برای به دست آوردن آن روغن ندارند، و زندگی‌شان تباه می‌شود. اما اگر روح‌القدس خدا طلب شود، اگر التماس کنیم، چنان‌که موسی کرد: «جلال خود را به من بنما»، محبت خدا در دل‌های ما ریخته خواهد شد. از طریق لوله‌های زرین، آن روغن زرین به ما رسانیده خواهد شد. «نه به قدرت و نه به قوت، بلکه به روح من، یهوه صباپوت می‌گوید.» فرزندان خدا با دریافت پرتوهای درخشان آفتاب عدالت، چون چراغ‌هایی در جهان می‌درخشند.» Review and Herald, July 20, 1897

ریزش روح‌القدس در خلال تاریخ‌های درونی و بیرونی‌ای رخ می‌دهد که دانیال و مکاشفه ۱۱:۱۱ آن‌ها را نشان کرده‌اند. در آیات یازدهم و دوازدهم باب یازدهم دانیال، دست‌کم چهار شخصیت نبوی وجود دارند که باید شناسایی شوند. همچنین در آیات سیزدهم تا پانزدهم نیز چهار شخصیت هست که باید شناسایی گردند، و در آیه شانزدهم نیز چهار شخصیت وجود دارند. اکنون ما دقیقاً در همان تاریخ زندگی می‌کنیم؛ از این رو بر ما، به‌عنوان شاگردان نبوت، لازم است که روشن سازیم شخصیت‌های نمادین آیات یازدهم تا شانزدهم چه کسانی هستند، زیرا آنان نمایانگر خطی از نبوت‌اند که تاریخ پنهان آیه چهل‌همین باب را در بر می‌گیرد.

همچنین مناسب به نظر می‌رسد که شخصیت‌هایی را که در تاریخ آیه چهل، که از سال ۱۹۸۹ در حال گشوده‌شدن بوده است، نمایان شده‌اند، شناسایی کنیم.

او گفت: «ای دانیال، راه خود را بگیر، زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مهر شده است. بسیاری طاهر خواهند شد و سفید گردانیده خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شیران به شرارت رفتار خواهند کرد؛ و هیچ‌یک از شیران نخواهند فهمید؛ لیکن حکیمان خواهند فهمید.» دانیال ۱۲:۹، ۱۰

آیه چهل از «زمان آخر» در سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود، هنگامی که ناپلئون فرانسه پاپ را به اسارت برد. توجیه ناپلئون بر پیمان تولنتینو که در سال ۱۷۹۷ نقض شده بود، استوار بود. نبرد ناپلئون و پاپ پیش‌تر در تاریخی که آیات شش و هفت باب یازدهم دانیال را تحقق بخشید، به‌صورت نمونه‌ای پیش‌نگاشته شده بود. پیمان ازدواج نقض‌شده و شکست پادشاه شمال از پادشاه جنوب در تحقق آیات شش و هفت، در تاریخ ۱۷۹۸ تکرار شد، و بدین‌سان هم پیشگویی کلام خدا را در آیات شش و هفت نمایندگی می‌کنند و هم تحقق آن آیات را در آغاز جنگ میان بطلمیوس فیلالدفوس، دومین و پادشاه مصر، و آنتیوخوس تئوس، سومین پادشاه سوریه. بطلمیوس نماینده پادشاه جنوب بود و آنتیوخوس نماینده پادشاه شمال.

پیشگویی آیات، هنگامی که با تحقق آن پیشگویی در تاریخ بطلمیوس و انطیوخوس—که آن نیز به نوبه خود نمونه‌ای از تاریخ ناپلئون و پاپ در سال ۱۷۹۸ بود—در کنار هم قرار گیرد، سه خط را فراهم می‌آورد که تاریخ پوتین و زلنسکی را در آیات یازده و دوازده به‌صورت نمادین نشان می‌دهند. از این رو، این درک که زمان آخر در سال ۱۷۹۸ نمایانگر تاریخ ناپلئون و پاپ است، اگر در همان‌جا پایان یابد، ناقص است. ما باید دریابیم که آیات شش و هفت درباره ناپلئون و پاپ چه پیشگویی می‌کنند، و نیز تاریخ بطلمیوس و انطیوخوس درباره همان دوره چه می‌آموزاند. هنگامی که این خطوط حقیقت را درک کنیم، آنگاه می‌توانیم بفهمیم که آن تحقق‌های تاریخی پیشین، تاریخ آغازین آیه چهل را مشخص می‌سازند، و بدین‌سان، پایان آیه چهل را نیز مشخص می‌کنند؛ آنگاه که پوتین، که به‌واسطه ناپلئون و بطلمیوس نمونه‌سازی شده است—پوتینی که در آیات شش و هفت پیشگویی شده است—آیات یازده و دوازده را به انجام می‌رساند.

نکته‌ای مهم درباره رابطه نبوی میان اژدها و وحش، آن‌گونه که یوحنا ایشان را شناسایی می‌کند، یا آن‌گونه که دانیال ایشان را به صورت «قربانی دائمی و مکروه ویرانگر» بازنمایی می‌کند، این است که

از نظر نبوی بسیار شبیه به یکدیگرند۔ یوحنا این گونہ بیان می کند۔

اور انہوں نے اڑدے کی پرستش کی جس نے حیوان کو اختیار دیا تھا؛ اور انہوں نے حیوان کی پرستش کرتے ہوئے کہا، ”حیوان کی مانند کون ہے؟ اور کون ہے جو اُس کے ساتھ جنگ کر سکتا ہے؟“ مکاشفہ 13:4

Adorar al dragón es adorar a la bestia, pues ambos representan la religión del paganismo. Al igual que Juan, Daniel usa "el cuerno pequeño" de Daniel capítulo ocho, versículos nueve al doce, para representar tanto a la Roma pagana como a la Roma papal, aunque distingue claramente entre ambas al identificar el cuerno pequeño de la Roma pagana en sentido masculino, y el cuerno pequeño de la Roma papal en sentido femenino. En el capítulo siete, Daniel identifica a la Roma pagana como "diferente" de los reinos que la precedieron, y además Daniel identifica que la Roma papal también era "diferente". Roma, ya sea pagana o papal, es diferente. El símbolo masculino de Roma, que representa a la Roma pagana, es sostenido por Acab y Herodes. Ambos estaban casados con símbolos del papado. La mujer es el arte eclesiástico y el hombre es el arte estatal; por lo tanto, en el plano profético, cuando la Palabra de Dios habla de un hombre y una mujer que llegan a ser una sola carne, está confirmando la realidad de que la Roma pagana y la Roma papal son muy semejantes en el sentido profético, porque son una sola carne

رابطہ فرانسه با پاپیت در سال ۱۷۹۸، نمونہ رابطہ ایالات متحدہ امریکا با پاپیت است، ہنگامی کہ آن دہ پادشاہ، روم را بہ آتش می سوزانند و گوشت او را می خورند۔

و آن دہ شاخی کہ بر آن وحش دیدی، اینان از فاحشہ نفرت خواہند داشت، و او را ویران و عریان خواہند ساخت، و گوشتش را خواہند خورد، و او را بہ آتش خواہند سوزانید۔ مکاشفہ ۱۷:۱۶۔

رابطہ فرانسه با پاپیت، آنگاہ کہ در سال ۵۳۸ پاپیت را بہ قدرت رسانید، نمونہ کار ایالات متحدہ امریکا در شفا بخشیدن زخم مہلک پاپیت در قانون یکشنبہ ای بہ زودی واقع شونده است۔

اور میں نے ایک اور حیوان کو زمین سے اوپر آتے دیکھا؛ اور اُس کے دو سینگ برّہ کے مانند تھے، مگر وہ اڑدیا کی مانند بولتا تھا۔ اور وہ پہلے حیوان کا سارا اختیار اُس کے سامنے عمل میں لاتا ہے، اور زمین اور اُس کے باشندوں کو اُس پہلے حیوان کی پرستش کرنے پر مجبور کرتا ہے، جس کا جان لیوا زخم اچھا ہو گیا تھا۔ اور وہ بڑے بڑے عجائب دکھاتا ہے، یہاں تک کہ آدمیوں کے سامنے آسمان سے زمین پر آگ بھی نازل کر دیتا ہے۔ اور اُن معجزوں کے سبب سے، جنہیں حیوان کے سامنے دکھانے کا اُسے اختیار دیا گیا تھا، وہ زمین کے باشندوں کو فریب دیتا ہے، اور زمین کے باشندوں سے کہتا ہے کہ وہ اُس حیوان کے لیے ایک مورت بنائیں، جو تلوار کا زخم کھا کر بھی زندہ رہا تھا۔ مکاشفہ 13:11-14۔

«زمان پایان» در سال 1798، در تحقق آیہ چهل، نشان می دهد کہ پادشاہ روحانی شمال بہ وسیلہ پادشاہ روحانی جنوب برکنار می شود۔ این تاریخ نبوتی، تاریخ پایان ہزار و دویست و شصت سال حاکمیت پاپی است؛ از این رو، ویژگی های نبوتی آغاز آن تاریخ نبوتی در پایان آن نیز بازنمایی می شود۔ در سال 538، چہارمین پادشاہی نبوت کتاب مقدس جای خود را بہ پنجمین پادشاہی نبوت کتاب مقدس داد، و در سال 1798، پنجمین پادشاہی نبوت کتاب مقدس جای خود را بہ ششمین پادشاہی نبوت کتاب مقدس داد۔

۵۳۸ ہمجنین یک نشانہ میانی لعنت «ہفت زمان» لاویان بیست و شش بر ضد پادشاہی شمالی اسرائیل است کہ در سال ۷۲۳ پیش از میلاد آغاز شد، ہنگامی کہ آشور افرایم را بہ اسارت برد۔

بنابراین، ۱۷۹۸ نہ تنها ویژگی‌های نبوی ۵۳۸ را در خود دارد، بلکه ویژگی‌های ۷۲۳ پیش از میلاد را نیز داراست۔ در سال ۷۲۳ پیش از میلاد، دہ سبط اسرائیل بہ وسیلہ آشور سرنگون می‌شدند، و یک‌ہزار و دوہست و شصت سال بعد، در ۵۳۸، روم مشرک بہ وسیلہ روم پاپی سرنگون می‌شد، و آن نیز بہ نوبہ خود در سال ۱۷۹۸ بہ دست فرانسه در پایان «ہفت زمان» سرنگون گردید۔

در سال ۱۷۹۸، فرانسه، یعنی پادشاہ جنوب، پاپیت را از تخت فروکشید۔ در سال ۵۳۸، فرانسه، کہ نامہ برجستہ تجزیہ روم بت‌پرست بہ دہ پادشاہی بود، پاپیت را بر تخت نشانہ۔ در ہنگام قانون یکشنبہ، ایالات متحدہ نقش فرانسه را در سال ۵۳۸ تکرار می‌کند، و ہنگامی کہ آن دہ پادشاہ پاپیت را با آتش می‌سوزانند و گوشت او را می‌خورند، ایالات متحدہ نقش فرانسه را در سال ۱۷۹۸ تکرار می‌کند۔

داوری «ہفت زمان» بر ضد پادشاہی‌های شمالی و جنوبی اسرائیل بہ وسیلہ پادشاہی‌هایی کہ از شمال برآمدند، بہ وقوع پیوست۔

اسرائیل ایک پراگندہ بھیڑے؛ شیروں نے اسے بھگا دیا ہے: پہلے اسور کے بادشاہ نے اسے نگل لیا؛ اور آخر میں بابل کے بادشاہ نبوکدرضر نے اس کی ہڈیاں توڑ ڈالیں۔ یرمیاہ 50:17۔

آشور از شمال برخاست و در سال ۷۲۳ ق.م. دہ سبط را مغلوب ساخت، و بابل در سال ۶۷۷ ق.م. یہودا را بہ اسارت برد۔ ہرچند اسرائیل نسبت بہ یہودا پادشاہی شمالی بود، با این حال ہر دو پادشاہی بہ دست دشمنانی از شمال مغلوب شدند؛ از این رو، ہم اسرائیل و ہم یہودا در نسبت با دشمنی کہ ایشان را بہ اسارت برد، پادشاہی‌های جنوبی محسوب می‌شدند۔ سال ۷۲۳ ق.م. نمایانگر آن است کہ پادشاہ شمال بر یک پادشاہی جنوبی دہ گانہ غلبہ می‌کند۔ سال ۵۳۸ نمایانگر انتقالی از بت‌پرستی بہ پاپ‌گرایی است و نیز پادشاہی شمالی را نشان می‌دہد کہ بر یک پادشاہی دہ گانہ چیرہ می‌شود۔ سال ۱۷۹۸ نمایانگر آن است کہ پادشاہی شمالی بہ دست پادشاہی جنوبی کہ نمایندہ یک پادشاہی دہ گانہ است، شکست می‌خورد۔

اور اُسی گھڑی ایک بڑا زلزلہ آیا، اور شہر کا دسواں حصہ گر پڑا، اور اُس زلزلہ میں سات ہزار آدمی مارے گئے؛ اور باقی لوگ خوف زدہ ہوئے، اور آسمان کے خدا کی تمجید کی۔ مکاشفہ 11:13۔

دورۂ انتقال جو 538 سے متعلق ہے، جب روم بت‌پرست سے پاپائی بن گیا، دانی ایل باب آٹھ میں مذکر سے مؤنث کی تبدیلی بھی ہے، جو علامتی طور پر حکومت کاری سے کلیسائی اقتدار کی طرف تبدیلی ہے۔ "سات زمانوں" کی نبوت "سچائی" کی مہر رکھتی ہے، کیونکہ پہلا حرف (723 قبل مسیح) عبرانی حروف تہجی کے بائیسویں اور آخری حرف (1798) کی توضیح کرتا ہے، جبکہ تیرھواں اور درمیانی حرف بغاوت (538) کی نمائندگی کرتا ہے۔ دانی ایل یہ واضح کرتا ہے کہ "سرکشی" جیسے "ویرانی کی سرکشی" کی تعبیر سے مائل کیا گیا ہے، کلیسیا اور ریاست کے امتزاج کا نام تھا، جس میں کلیسیا اس تعلق پر غالب تھی۔ وہی "سرکشی" 538 کی نمائندگی کرتی ہے، جو اسرائیل کے دس شمالی قبائل کے خلاف سات زمانوں کے دور میں تین بنیادی نشانوں کے درمیان واقع درمیانی مقام، اور استعارۂ تیرھویں حرف، ہے۔

در سال 1798، در «زمان آخر» چنان کہ در آیہ چہلم از فصل یازدہم دانیال بیان شدہ است، فرانسه بی‌خدا، یعنی پادشاہ جنوب، زخم مہلک را بر پاپیت، یعنی پادشاہ شمال، وارد ساخت۔ در سال 1989، پاپیت بر ضد پادشاہ بی‌خدای جنوب، کہ در آن زمان بہ اتحاد جماہیر شوروی تبدیل شدہ بود، تلافی کرد۔ این تلافی شامل اتحادی پنهانی میان ایالات متحدہ و واتیکان بود۔ برچیدہ شدن اتحاد جماہیر شوروی در سال 1989، پیام مکتوب نبوی آیہ چہلم را بہ پایان می‌رساند، و آیہ بعد، یعنی آیہ چہلویکم، نمایانگر قانون یکشنبہ در ایالات متحدہ است۔ بنابراین، از زمان فروپاشی اتحاد جماہیر شوروی در سال 1989 تا قانون یکشنبہ در آیہ بعد، ما در تاریخ پنهان آیہ چہلم زیستہ ایم۔

آیت چہل، سنہ 1798 میں جنوب کے ایک بادشاہ اور شمال کے ایک بادشاہ کی نشان دہی کرتے ہوئے آغاز کرتی ہے، اور پھر سنہ 1989 میں جنوب کے ایک بادشاہ اور شمال کے ایک بادشاہ کے ساتھ ساتھ ایک تیسری قوت کی بھی، جو رتھوں، جہازوں اور سواروں کے ذریعے ظاہر کی گئی ہے۔

اور آخر زمان میں جنوب کا بادشاہ اُس پر حملہ آور ہوگا، اور شمال کا بادشاہ رتھوں، سواروں، اور بہت سے جہازوں کے ساتھ بگولے کی مانند اُس پر چڑھ آئے گا؛ اور وہ ممالک میں داخل ہوگا، اور سیلاب کی طرح بہتا ہوا گزر جائے گا۔ دانی ایل 11:40۔

«زمان آخر» میں 1798ء کے دوران نپولین کا ایک حقیقی جنرل ویٹیکن میں داخل ہوا اور لفظی طور پر پوپ کو گرفتار کر کے قید کر گیا۔ 1989ء میں 1798ء کا انتقام واقع ہوا۔ 1798ء اور 1989ء کے درمیان تاریخ میں بعض نبوتی انتقالات واقع ہوئے تھے جن کا لحاظ کرنا اہم ہے۔ دہریہ فرانس، جو 1798ء کے دور میں جنوب کا بادشاہ تھا، جنوب کے پہلے روحانی بادشاہ کے طور پر ظاہر ہوا، اور پوتن کا روس اس کا آخری ہونے کے لیے مقدر ہے۔ فرانس کی نشان دہی مکاشفہ گیارہ میں کی گئی ہے، اور سسٹر وائٹ نے اسے براہ راست دہریہ فرانس کے طور پر متعین کیا ہے۔ ان دو علامتوں میں سے ایک، جو باب گیارہ میں فرانس کی شناخت کراتی ہیں، مصر ہے، اور سسٹر وائٹ مصر کو دہریت کی علامت قرار دیتی ہیں۔ اس باب میں وہ حیوان جو اتھاہ گڑھے میں سے اوپر چڑھتا ہے، دہریت تھی، جو اسی زمانی عرصہ میں تاریخ میں وارد ہوئی۔

الحاد از دورہ زمانی 1798، با فرانسه، وارد تاریخ می شود و تا سال 1989، پادشاہ روحانی الحاد بہ اتحاد جماہیر شوروی بدل شدہ است۔ برچیدہ شدن اتحاد جماہیر شوروی در سال 1989، در تحقق ائتلافی پنهانی میان پاپ ژان پل دوم و رونالد ریگان، در آیہ دہم از باب یازدہم دانیال بہ صورت نمادین پیش نمایی شدہ بود؛ و شاہدی دوم بر آیہ دہم در بخش اشعیا دربارہ دو لعنت دو ہزار و پانصد و بیست سالہ بر ضد پادشاہی ہای شمالی و جنوبی اسرائیل یافت می شود، آن گونه کہ در باب ہای ہفت تا یازدہ بیان شدہ است۔

از این رو، ۱۹۸۹ بہ نقطہ مرجع برای حلّ معماہای نبوتی ایام آخر بدل می شود۔ در همان زمان بود کہ آیہ چہل مہرگشایی شد۔ اکنون می توان دریافت کہ آیہ چہل در سال ۱۷۹۸ آغاز می شود و بہ قانون یکشنبہ آیہ چہل و یکم پایان می یابد۔

در قانون یکشنبہ، ایالات متحدہ چون اژدہا سخن خواہد گفت و حکومت خود را بہ عنوان ششمین پادشاہی نبوت کتاب مقدس بہ پایان خواہد رساند۔ این کشور دوران فرمانروایی خود را در سال 1798 آغاز کرد، ہنگامی کہ پادشاہی پنجم زخمی مہلک دریافت نمود۔ در سال 1798، ایالات متحدہ «قوانین بیگانگان و فتنہ» را بہ تصویب رساند و بدین سان، پایان پادشاہی ششم را در همان آغاز آن بہ گونه ای نمادین مجسم ساخت۔ از این رو، آیہ چہل، تاریخ ایالات متحدہ را بہ عنوان ششمین پادشاہی نبوت کتاب مقدس بیان می کند۔

۱۷۹۸ نخستین حرف از الفبای عبری است، قانون یکشنبہ بیست و دومین و آخرین حرف از الفبای عبری است، و ۱۹۸۹ نشانہ میانی است کہ نمایانگر آن عصیان است کہ بہ وسیلہ عدد سیزدہ و سیزدہمین حرف از الفبای عبری نمادین شدہ است۔ ۱۹۸۹ نمایانگر عصیان اتحاد پنهانی ریگان با ضد مسیح نبوت کتاب مقدسی است۔ ۱۹۸۹ نخستین ہشت رئیس جمہور پاپائی را معرفی می کند کہ در خلال دورہ ای از عصیان فزاینندہ علیہ قانون اساسی حکمرانی می کنند۔ ۱۹۸۹ فرایندی آزمایشی را در میان ادونتیست ہای روز ہفتم آغاز کرد کہ برای پدید آوردن دو طبقہ از پرستندگان طراحی شدہ است۔ امینان اندک اندک؛ بی ایمانان بسیارند۔ ۱۹۸۹ نمایانگر نشانہ میانی آیہ چہل است، و نمایانگر آن عصیان است کہ بہ وسیلہ سیزدہمین حرف نمادین شدہ است۔ آیہ چہل مہر «حقیقت» را بر خود دارد۔

آیه چهل دارای پادشاهان شمال و جنوب است که در تاریخ پایان آیه با یکدیگر متفاوت‌اند. همچنین ایالات متحده را نیز دربر دارد که بنا بر گفته یوحنا، همان نبی کذاب است که با اژدها و وحش همکاری می‌کند تا جهان را به آرماگدون رهنمون شود. پادشاه جنوب در آیه چهل، اژدهاست؛ پادشاه شمال، وحش است؛ و ارابه‌ها، کشتی‌ها و سواران، نبی کذاب هستند. تحقق آیه چهل در سال ۱۹۸۹ به ویژگی‌ای مهم نبوی برای فهم آیات یازده تا پانزده بدل می‌شود. اگر در مورد ۱۹۸۹ بر صواب نباشید، از لحاظ منطقی نمی‌توانید درباره تاریخی که امروز در آن به سر می‌بریم نیز بر صواب باشید.

از سال ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه، سه جنگ نیابتی برای پایت در آیات ۱۰ تا ۱۵ به تصویر کشیده شده است. این آیات باید به‌عنوان یک تاریخ پیوسته واحد در نظر گرفته شوند، زیرا همان «آنتیوخوس مگنوس» در هر سه نبردی که در تحقق تاریخی آیات ۱۰ تا ۱۵ به نمایش درآمده‌اند، یافت می‌شود.

هر سه نبرد یک خط نبوی هستند، زیرا آنتیوخوس مگنوس در هر یک از آن سه نبرد حضور داشت. آیه ده و اشعیا ۸:۸ دو شاهد برای تحقق آیه چهل در سال ۱۹۸۹ فراهم می‌آورند. آیه چهل نقطه ارجاع در آیه ده و اشعیا ۸:۸ است. «ارابه‌ها، کشتی‌ها و سواران» نمایانگر دو شاخ وحش زمین در باب سیزدهم مکاشفه هستند. در انتها، هنگامی که ایالات متحده «چون اژدها سخن می‌گوید»، آن دو شاخ دیگر جمهوری‌خواهی و پروتستانیسم نخواهند بود. در آن زمان، پروتستان‌های موسوم با کاتولیسیسم متحد خواهند شد، و جمهوری مشروطه به یک دیکتاتوری تبدیل خواهد گردید. در آن دوره زمانی، دو شاخ وحش زمین عبارت خواهند بود از قدرت اقتصادی و قدرت نظامی. در باب سیزدهم مکاشفه، ایالات متحده جهان را وادار می‌کند که برای خرید و فروش، و نیز تحت تهدید مرگ، نشان وحش را بپذیرد. آن دو شاخ همان «کشتی‌ها»ی دانیال‌اند که نمایانگر قدرت اقتصادی هستند، و «سواران و ارابه‌ها»ی او که نمایانگر قدرت نظامی‌اند.

۱۹۸۹ ثابت می‌سازد که هنگامی که تحقق تاریخی نبردهای رافیا و پانیوم را در آیات یازده تا پانزده به کار می‌بریم، باید همان روش‌شناسی نبوی‌ای را که برای فهم ۱۹۸۹ و فروپاشی اتحاد شوروی به کار گرفته شد، به کار ببریم، زیرا آنتیوخوس مگنوس در هر سه نبردی که در آیات ده تا پانزده بازنمایی شده‌اند، حضور داشت. آنتیوخوس نمایانگر قدرت ارابه‌ها، کشتی‌ها و سواران است، که در ۱۹۸۹ رونالد ریگان بود، نخستین هشت رئیس‌جمهور، که آخرین ایشان نیز ششمین بود و اکنون هشتمین است که از آن هفت است.

بر اساس اشعیا بیست‌وسه، قدرت پاپی، (آن فاحشه‌ای که با پادشاهان زمین زنا می‌کند) در دوران سلطنت ایالات متحده به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس پنهان می‌بود. در سال ۱۹۸۹، ایالات متحده، که به‌وسیله آنتیوخوس مگنوس به‌صورت نمادین نشان داده شده بود، قدرت نیابتی پاپی در جنگ آن با وحش الحاد بود؛ همان وحشی که در سال ۱۷۹۸ زخمی کشنده بر آن وارد کرده بود.

سه نبرد آیات ده تا پانزده نمایانگر جنگی میان پادشاه شمال است که چون فاحشه پنهان صور، در حالی که به سوی بازگردانی قدرت خویش و شکست پادشاه الحاد—یعنی پادشاه جنوب—پیش می‌رود، از قدرت‌های نیابتی بهره می‌گیرد. تحقق‌های تاریخی سه نبرد آیات ده تا پانزده به ما می‌آموزند که در نبرد نخست و آخر، آنتیوخوس ماگنوس پیروز شد، اما در نبرد میانی شکست خورد. ویژگی‌های نبوی سال‌های ۱۹۸۹ رونالد ریگان همراه با پاپ ژان پل دوم و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در آخرین این سه نبرد همتایی خواهند داشت، زیرا این آیات همان چیزی هستند که درست پیش از بسته‌شدن زمان آزمایش گشوده می‌شوند. چنان‌که آیه چهل در سال ۱۷۹۸ و سپس بار دیگر در ۱۹۸۹ گشوده شد، این آیه نیز در پایان، از ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز شده، گشوده شد.

مکاشفه عیسی مسیح درست پیش از بسته شدن زمان آزمایش گشوده می‌شود، و این حقیقت برترین را در بر دارد که عیسی اول و آخر است، و از این‌رو همواره پایان را به‌واسطه آغاز به تصویر می‌کشد.

زمان آزمایش برای آدونتیسم در قانون یکشنبه بسته می‌شود، و درست پیش از بسته شدن زمان آزمایش، مکاشفه عیسی مسیح گشوده می‌شود. پیامی که در در بسته قانون یکشنبه به پایان می‌رسد، همان پیام فریاد نیمه‌شب است، که در تاریخ میلری، به در بسته ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ انجامید. گشوده شدن ۱۷۹۸ در آغاز آیه چهل، که همچنین آغاز ایالات متحده به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس است، نمونه‌ای بود از گشوده شدن ۱۹۸۹ در میانه آیه چهل و آغاز پایان تدریجی ایالات متحده. آن گشوده شدن در ۱۷۹۸ که نمونه ۱۹۸۹ بود، دو شاهد را برای گشوده شدن پیام فریاد نیمه‌شب در ۲۰۲۳ نمایندگی می‌کند. این خط، با سه نشان راه خود یعنی ۱۷۹۸، ۱۹۸۹، و ۲۰۲۳، کار درونی تطهیر ده باکره و خط بیرونی ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس را معرفی می‌کند.

?La batalla presentada en el versículo once, que se cumplió en la Batalla de Rafia cuando Antíoco fue derrotado por Ptolomeo, representa una derrota del poder delegado papal, que en esta batalla actual es los nazis de Ucrania, aliados con las naciones globalistas de Europa Occidental que conforman la UE y la OTAN, y que marchan en total consonancia con los globalistas políticos y económicos de las Naciones Unidas. Si Antíoco Magno estuvo en las tres batallas y representa el poder delegado papal contra el rey del sur, ¿cómo puede ser los Estados Unidos en 1989, luego los ucranianos tal como son tipificados por la Batalla de Rafia, y después nuevamente los Estados Unidos en la Batalla de Panio? El versículo diez es la clave para los versículos once al quince, pues su cumplimiento en 1989 proporciona una ilustración de las características proféticas de la primera de las tres guerras subsidiarias. ¿Cuál es la justificación profética para identificar a Antíoco como el poder delegado papal, sin aplicar a los Estados Unidos a cada una de las tres batallas

در تاریخ جنگ اوکراین، که با نبرد رافیا ممثل شده است، ایالات متحده از نازی‌های اوکراین به عنوان قدرت نیابتی خود بهره برد؛ آن هم در همان تاریخی که در آن، تصویر پاپیت را می‌سازند، یعنی آن قدرتی که همواره و تنها از قدرت‌های نیابتی برای انجام کارهای پلید خویش استفاده می‌کند.

برای پاسخ به پرسش قدرت‌های نیابتی در آیات ده تا پانزده، لازم است ویژگی‌های انطیوخس به مثابه نمادی نبوی مورد مطالعه قرار گیرد. جنگ‌های دیادوخوی نبردهایی پیاپی از ۳۲۳ تا ۲۸۱ پیش از میلاد بودند میان دیادوخویان (واژه‌ای یونانی به معنای «جانشینان»)، یعنی سرداران و جانشینان اسکندر کبیر، که پس از مرگ او در ۳۲۳ پیش از میلاد برای به دست گرفتن کنترل امپراتوری پنهان او جنگیدند. نخستین انطیوخس، انطیوخس یکم سوتر بود، پسر سلوکوس یکم نیکاتور، یکی از دیادوخویان اسکندر (جانشینان او)، که امپراتوری سلوکی را بنیان نهاد.

نام انطیوخس را می‌توان به معنای کسی دانست که به جای دیگری می‌ایستد تا او را پشتیبانی کند. انطیوخس نمادی از روم است، و روم پاپی همان ضد مسیح است که نمادپردازی‌ای همانند انطیوخس دارد. انطیوخس، به عنوان یک نام، نمایانگر پسر بنیان‌گذار امپراتوری سلوکی بود، و از این جهت انطیوخس در جای پدر خود می‌ایستاد؛ او قائم‌مقام او بود. خواهر وایت هم شیطان و هم پاپ را ضد مسیح معرفی می‌کند، و بیان می‌دارد که پاپ نماینده شیطان بر زمین است. این نام در امپراتوری سلوکی به نامی برجسته در دودمان سلطنتی بدل شد، تا حدی به سبب پیوندش با انطیوخس اول سوتر و شهر انطاکیه، که به نام پدر یا پسر سلوکوس اول نام‌گذاری شده بود. پاپ قائم‌مقام شیطان است، و از لحاظ نمادین نام انطیوخس نمایانگر قائم‌مقامی برای پدر او، یعنی بنیان‌گذار پادشاهی شمال، است که پایتخت آن را در بابل قرار داد.

پس از مرگ اسکندر کبیر در ۳۲۳ ق.م، امپراتوری او در میان دیادوخوی (جانشینان) او تجزیه شد. در تقسیم بابل (۳۲۳ ق.م)، سلوکوس در آغاز از سوی پردیکاس، نایب السلطنه امپراتوری اسکندر، به فرماندهی سواره نظام هتایروی (منصبی عالی رتبه و ممتاز نظامی) منصوب شد. تا سال ۳۲۱ ق.م، سلوکوس در تقسیم تریپارادیسوس، پس از مرگ پردیکاس و در پی مذاکرات بیشتر میان دیادوخوی، به ساتراپی (فرمانداری) بابل منصوب گردید. در ۳۱۶ ق.م، آنتیگونوس یکم مونوفتالموس، یکی دیگر از دیادوخوی، به سبب فزونی قدرت خود، سلوکوس را وادار کرد که از بابل بگریزد. سلوکوس به بطلمیوس یکم سوتر در مصر پناه برد. در ۳۱۲ ق.م، سلوکوس با نیرویی اندک که بطلمیوس در اختیار او نهاده بود، به بابل بازگشت. او نیروهای آنتیگونوس را شکست داد و بابل را بازپس گرفت، و بدین سان بنیاد پایگاه قدرت خویش را استوار ساخت. این رویداد غالباً آغاز امپراتوری سلوکی تلقی می شود، و در محاسبات تاریخی، ۳۱۲ ق.م. به عنوان آغاز عصر سلوکی به شمار می آید.

نام سیلوگس از زبان یونانی مشتق شده و از ریشه σέλας (selas) می آید که به معنای «نور»، «درخشندگی» یا «شعله» است. این نام دلالت بر فروغ یا تابندگی دارد و برای شخصیتی برجسته چون سلوکوس یکم نیکاتور، بنیان گذار امپراتوری سلوکی، و کسی که ممثل آن پدری است که در آسمان حامل نور بوده است، برازنده است.

«برای به دست آوردن منافع و افتخارات دنیوی، کلیسا به جست و جوی التفات و پشتیبانی بزرگان زمین سوق داده شد؛ و بدین سان، چون مسیح را رد کرده بود، به اطاعت واداشته شد از نماینده شیطان—اسقف روم.» نبرد عظیم، 50.

آنتیوخوس کبیر نماینده نیابتی قدرت پاپی است، همان گونه که پاپ نماینده نیابتی شیطان است. نمادگرایی آنتیوخوس امکان وجود قدرت های نیابتی گوناگون را فراهم می سازد، چنان که پاپ های بسیاری نیز وجود داشته اند. ریگان نماینده نیابتی سال ۱۹۸۹ بود، اوکراین در سال ۲۰۱۴ به نماینده نیابتی ایالات متحده بدل شد، و ترامپ در نبرد پانیوم نماینده نیابتی است. ریگان نخستین بود، ترامپ آخرین است، و زلنسکی شورش میانه است.